

عبدالحسین زرین کوب و پژوهش در تاریخ

سیدضیاءالدین میرمحمدی



۱۹۶

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴

دکتر عبدالحسین زرین کوب در ۲۷ اسفند ماه سال ۱۳۰۱ شمسی در شهرستان بروجرد به دنیا آمد و در خانواده ای اهل علم و ورع تربیت یافت. دوران ابتدایی را در سال ۱۳۰۷ ش در بروجرد از مدرسه «کمال» آغاز کرد و دوره متوسطه را در مدرسه «اعتضاد» ادامه داد. در کنار تحصیل در مدارس جدید با ترغیب پدرش همزمان به تحصیل علوم دینی در «حوزه علمیه بحر العلوم» پرداخت. در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را در رشته ادبی به پایان برد. در سال ۱۳۲۴ در رشته ادبیات دانشگاه تهران با رتبه اول پذیرفته شد و در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول فارغ التحصیل شد و یک سال بعد دکترای ادبیات فارسی را در همان دانشگاه آغاز نمود. در سال ۱۳۳۴ تحصیلات دانشگاهی خود را با رساله ای با عنوان نقد الشعر، تاریخ و اصول آن به پایان برد. در سال ۱۳۳۵ به عنوان دانشیار دانشکده علوم معقول و منقول به تدریس تاریخ اسلام، تاریخ کلام و مجادلات فرق، تاریخ ادیان، تاریخ علوم و تاریخ تصوف اسلامی مشغول شد. پس از اخذ

رتبه استادی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات، دوره دکتری دانشگاه تهران و دانشسرای عالی تهران به تدریس پرداخت. مسافرت های متعدد علمی، مطالعاتی و تحقیقی به کشورهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی انجام داد و سالی چند را هم به عنوان استاد میهمان در آمریکا به تدریس پرداخت. حوزه مطالعاتی استاد را در عرصه های تاریخ، فلسفه، ادبیات، تصوف، عرفان، تاریخ ادیان، آشنایی با معارف قدیم و جدید، علوم اسلامی و روش های تحقیق نوین و تسلط به زبان های زنده دنیا می توان دانست. ایشان آثار متعدد ادبی، عرفانی و تاریخی از خود به جا گذاشت که در زمینه آثار تاریخی (یا مجموعه هایی که به نوعی تاریخی هستند) می توان ۲۲ اثر را شمرد، از جمله: دو قرن سکوت، تاریخ ایران بعد از اسلام، بامداد اسلام، کارنامه اسلام، تاریخ در ترازو، تاریخ مردم ایران، و روزگاران ایران هم چنین مقالات متعدد ادبی، عرفانی و تاریخی نیز در نشریات معتبر علمی از ایشان چاپ شده که از آن میان به چند کلمه از تاریخ، فرمانروایی ایرانیان بر یمن، نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام، مصاحبه با تاریخ، درباره تاریخ، تاریخ نگری یا تاریخ نگاری می توان اشاره کرد.

دکتر زرین کوب پس از عمری تلاش علمی در زمینه تدریس، تحقیق و تصنیف، در سن ۷۷ سالگی در سال ۱۳۷۸ ش دار فانی را وداع گفت.^۱

رویکردی به روش پژوهش تاریخی دکتر زرین کوب

روش های پژوهشی و اصول اساسی و راهبردها و راهکارهای آن در علوم گوناگون، فی نفسه هدف و غایت نیست، بلکه کاربردی کردن روش های پژوهشی، ابزاری است جهت رسیدن به «نظریه علمی» و «قانون علمی».

روش علمی که عبارت است از مقایسه و مقابله فکر و اندیشه با واقعیات بدون استمداد از روش ها و شیوه های پژوهشی به سامان نخواهد رسید. غلبه بر پیش داوری ها، پیش فرض ها، پردازش از راه تعقل و مطابقت با واقعیت ها در هر تحقیق علمی، بدون راهبردهای روش پژوهشی جامه عینی به خود نخواهد پوشید. قاعده اخیر در عرصه مطالعات و تحقیقات تاریخی نیز صادق است.

فعالیت منظم علمی در تحقیقات تاریخی چه از نوع بنیادی،^۲ چه از نوع توسعه ای^۳ و چه کاربردی^۴ بدون به کارگیری تکنیک های روش پژوهشی تاریخی، منجر به تولید علمی و نظریه علمی از نوع تاریخی نخواهد شد. روش تحقیق و مطالعه تاریخی که غایت آن توصیف تاریخی^۵



(چگونگی و بسط امر تاریخی) و تبیین تاریخی^۶ (چرایی تطوّر تاریخی) است، بدون ابزارها و شاخص های روش پژوهش تاریخی به نتیجه قطعی تاریخی نخواهد رسید.

درک معنا و پیام نهفته در حوادث تاریخی و در نهایت استنباط و اجتهاد تاریخی، در سایه حکومت روش های پژوهش تاریخی تحقق عینی خواهد یافت. نادیده انگاری شیوه ها و روش های پژوهش در مطالعات و تحقیقات تاریخی و هم چنین در اصول اساسی روش های تاریخی (اصل نسیان،^۷ اصل تأمل و شک گرایی،^۸ اصل جامعیت و باز ساخت کلی^۹) اصل تحقیق و رسیدن به نظریه علمی در تاریخ را عقیم خواهد گذاشت.^{۱۰}

اصولی اساسی از روش های پژوهش تاریخی دکتر زرین کوب

زرین کوب از محققان صاحب سبک در حوزه تاریخ نگاری و تاریخ نگری است. در تاریخ نگاری از شیوه ها و روش های متعدد پژوهشی بهره برده است. به طور کلی محدوده روش های پژوهشی ایشان در سه حوزه منابع مادی تاریخ، منابع و متون تاریخی و ویژگی های اثباتی و سلبی مورخ است. در امر تحقیق و مطالعات تاریخی و سامان دادن به مراحل پژوهش، توجه جدی به صفات ایجابی و سلبی مورخ دارد و از انصاف مورخ به صفات ثبوتی و سلبی به عنوان نوعی روش پژوهشی در رسیدن به واقعیت تاریخی و حقیقت تاریخی و در نهایت استنباط و اجتهاد تاریخی استفاده می کند. البته تذکر این نکته لازم است که در مقاله حاضر به مجموعه ای از روش های ایشان اشاره خواهد شد که به نوعی مورخ را در رسیدن به وقایع تاریخی و حقایق تاریخی رهنمون می کند؛ هر چند آن روش و شیوه، خصایص ثبوتی و سلبی مورخ باشد.



۱. کشف و گردآوری اسناد تاریخی

نقطه ابتدایی و شروع امر تحقیق در مطالعات تاریخی، با کشف و گردآوری اسناد تاریخ شروع می شود. لازمه این کشف و گردآوری، استقراء تام در تمام روایات، منابع و اسناد تاریخی است. محقق بایستی به تفحص، تفتیش و استقراء در مآخذ و منابع تاریخی اقدام نماید و گزارش ها و آثار باقی مانده از اسناد مادی، اسناد تصویری و کتبی را مورد ملاحظه قرار دهد و به جمع آوری آن ها همت گذارد.

زرین کوب در مطالعات تاریخی و روش های پژوهش تاریخی، کشف و گردآوری اسناد

گونگون را یکی از مهم ترین قدم های اولیه و اساسی در تحقیقات تاریخی می داند. البته در این کشف، مسائل مختلف را بر حسب طبیعت و نوع خویش دارای مراجع مختلف می پندارد و باتوسعه و تنوع تحقیقات و مخصوصاً با تقسیم کار در جهان، ایجاد مراکز اسناد و تسهیلات فنی را لازم می شمرد.^{۱۱}

۲. نقد برونی و نقد درونی^{۱۲}

در نقد منابع تاریخی از دو نوع «نقد برونی یا ظاهری» و «نقد درونی یا باطنی» استفاده می کنند. زرین کوب از آن ها با عنوان «نقد خارجی یا سطحی» و «نقد داخلی یا عالی» نام می برد.

در نقد برونی، صحت و اصالت اسناد تاریخ بررسی می شود و به نوع خط و کاغذ و زمان تدوین و مکان آن توجه می شود. از نقد داخلی یا درونی که به دو نوع ایجابی و سلبی تقسیم می شود، جهت دست یابی به حقایق تاریخی از خلال اسناد تاریخی استفاده می کنند. در پی تفسیر ظاهر متن و فهم کردن معانی آن، شناختی حقیقی از متن و غرض مؤلف آن حاصل می شود. از نظر ایشان، استنباط از اسنادی که اصالت آن ها مورد تحقیق واقع نشده و یا اصل آن ها در دسترس نیست مورخ را تا حد زیادی به اشتباه می اندازد. محقق باید در برخورد با سند تاریخی، میزان اعتماد خویش را بر آن مورد ارزیابی قرار دهد و جعل و تزویر سند را روشن نماید و در پی صداقت و اعتبار آن باشد. در هر حال، محقق پس از دریافت خطا و اشتباهی که در فهم آن است و پس از بررسی اصالت آن، می تواند در طبقه بندی و توجیه و تفسیر از آن ها بهره ای ببرد.

زرین کوب در مورد روایات مندرج در اسناد مکتوب دو مسأله را مورد ارزیابی قرار می دهد که یکی صحت متن و یکی صحت انتساب است. نقد متن بیانگر گفته های یک شاهد قدیم است که واقعاً چه گفته است؟ و مسأله انتساب نشانگر این که گواهی منسوب به یک شاهد تا چه اندازه از خود اوست؟ محقق تاریخ باید به واسطه بررسی اصل متن و مقایسه آن با شواهد و قرائن خارجی به هدف ناشی از نقد متن دسترسی پیدا کند.

مورخان تاریخ در مطالعات تاریخی و سیر مراحل پژوهش تاریخی، از نقد برونی و درونی به عنوان روشی استفاده می کنند که زرین کوب هم از روش نقد اسناد و متون - چه از جنبه بیرونی و چه



درونی - اهتمام خاصی بر آن در آثارش نشان داده است. ۱۳

۳. بازجویی و بازآفرینی

او در تحقیقات تاریخی و مراحل سیر پژوهش تاریخی که در نهایت به مرحله اجتهاد تاریخی می‌رسد، تاکید فراوانی بر بازجویی و بازآفرینی دارد. مورخ بایستی اسناد پراکنده تاریخ را از گوشه و کنار جمع نماید و با حوصله و دقت تمام مورد سنجش قرار دهد و صدق و کذب خبرها را بررسی نماید و واقعیت تاریخی را از خلال اسناد پراکنده به دست آورد و واقعیت‌های تاریخی را با رشته‌های علمی پیوند دهد و آن‌ها را به حقیقت تاریخی برساند. امکان عملی پردازش حقیقت تاریخی، در سایه الزامات بازجویی و بازآفرینی مورخ است.

عدم پردازش مورخ به مسأله بازجویی و بازآفرینی، موجب عدم وصول او به کنه واقعیت‌ها و حقایق تاریخی می‌گردد.

وصول به حقیقت تاریخی از طریق بازآفرینی جامعه گذشته انسانی، یک نوع نازک‌کاری است؛ مثل یک نوع بند بازی فکری که هم آرامش اعصاب طلب می‌کند و هم چالاک‌ی و تهور مورخ را مطالبه می‌نماید. تشخیص صدق و کذب گواهان، امکان فریب خوردن یا کودن بودن راوی و آماده بودن مقدمات لازم جهت دریافت حقیقت تاریخی، در سایه توجه به بازجویی و بازآفرینی جامعه گذشته انسانی ممکن می‌گردد. البته در بازجویی و بازآفرینی، مورخ باید از سبک‌سری، بی‌دقتی و حتی خوش‌باوری دوری نماید. در تدوین و تالیف تاریخی، کار مورخ برگزیدن و جدا کردن است و این محتاج قیاس و استدلال دقیق و توأم با احتیاط است. بدون این دقت و احتیاط عالمانه، «بازآفرینی» گذشته که هدف کار مورخ است ممکن نخواهد شد. بازآفرینی مورخ مشکلی دارد و آن جدا کردن تعدادی «واقعیت تاریخی» از مجموع آن چیزهایی است که در اسناد تاریخی آمده است.

مورخی که گذشته را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد، ناچار باید از بین واقعیت‌ها و حقیقت‌های تاریخی که با موضوع کار او ارتباط دارند، آن‌چه را که با دیدگاه او مناسب‌تر است گزینش نماید و هرچه را که به کار او ارتباطی ندارد کنار بگذارد و این دقیق‌ترین و حساس‌ترین شیوه‌ای است که مورخ باید در بازسازی گذشته مورد توجه قرار دهد. از مجموع اندیشه‌های زرین کوب در این زمینه استنباط می‌شود که ایشان «بازجویی و بازآفرینی» مورخ را یک شیوه و روش مهم پژوهشی در مطالعات بنیادی و کاربردی تاریخ می‌داند. ۱۴



۲۰۰

سال چهارم - شماره ۱۳ و ۱۴

۴. توپولوژی تاریخی (مکان شناسی)^{۱۵}

توپولوژی تاریخی یا مکان شناسی، در تاریخ و تاریخ نگاری زرین کوب جایگاه ویژه ای دارد. مقوله مکان شناسی در تاریخ در دلالت بر معانی تاریخی و رسیدن به حقیقت تاریخی کاربرد خاصی دارد. ایشان در یکی از بخش های مقاله ای در تاریخ کمبریج (ج ۴) با عنوان «از حیره تا بصره» که به نوعی موجب تبادل مفهوم توپولوژی به ذهن می شود، با این بیان که «حیره» نقطه آغازین حمله اعراب به ایران و «بصره» محل وقوع جنگ قادسیه است، با بیان نظریه مکان تاریخی وقایع مربوط راهی به سوی حقیقت تاریخی باز می کند. در تاریخ ایران بعد از اسلام نیز نمایه هایی از کاربرد توپولوژی تاریخی دیده می شود.^{۱۶}

۵. توجه به ابزارهای پیشرفته صنعتی

از روش هایی که امروزه مورخ را در رسیدن به «واقعیت تاریخی» و سپس «حقیقت تاریخی» رهنمون می سازد و تسهیلاتی را فراهم می کند، پیشرفت صنعت و تکنولوژی است. زرین کوب توجه آگاهانه و هوشمندانه ای به تکنیک های فنی روز دارد و به عنوان شیوه ای در پژوهش تاریخی از آن یاد می کند. به اعتقاد ایشان پیشرفت های صنعتی و تکنولوژی جدید در وسایل و اسباب پژوهش، آسانی ها و تازگی هایی را سبب شده است.

تهیه رونویس اسناد به وسیله ماشین های صنعتی و الکترونیکی، بررسی اصالت یا جعل در اسناد از طریق فرمول های شیمی، تنظیم و تحلیل محتویات اسناد به وسیله دستگاه های الکترونیک، استفاده از مجموعه های فوتوتک، سینماتک، فیلموتک، و دیسکوتک و فونوتک و امثال آن ها آرشیه ها را از سابق منظم تر و استفاده از آن ها را عملی تر ساخته است.^{۱۷}

۶. توجه به منابع مادی تاریخ

نقد و ارزیابی منابع مادی در پژوهش های تاریخی از مسائل مهم تاریخ نگاری معاصر است که زرین کوب نیز علاقه و آفری در عرصه پژوهش های تاریخی به آن نشان داده است. منابع مادی تاریخ با انواعی همچون مهر، سکه، لوح و کتیبه و امثال آن ها، باعث غنا بخشیدن به اخبار و وقایع تاریخی نزد مورخ می شود. ایشان در تاریخ مردم ایران قبل از اسلام و ایران باستان





استفاده‌های مفیدی از منابع مادی برده است. از نظر ایشان، از فواید و کاربرد منابع مادی - خصوصاً سکه‌ها و کتیبه‌ها - در شناخت گذشته تاریخی نباید مبالغه کرد، هم‌چنان‌که نباید از اهمیت آن‌ها چشم‌پوشی نمود. منابع مادی تاریخ در بین اقوام مختلف شرق و غرب، تحول معیشت آن‌ها را از مرحله مبادلات جنسی به مبادلات نقدی نشان می‌دهد و یا از طرز زندگی شبانی به زندگی کشاورزی‌نمایی ارائه می‌دهد. مخصوصاً از مطالعه جنس و میزان و تعداد آن‌ها می‌توان از منابع اقتصادی آن دوران تصویری روشن پیدا کرد و یا به واسطه این گونه منابع مادی تاریخ، به حدود بسط قلمرو جغرافیایی و یا نفوذ اقتصادی پی برد. از مطالعه مسکوکات می‌توان جدول‌هایی از انساب و نیز سلسله‌امرا، پادشاهان و صاحبان سکه تنظیم کرد. دکتر زرین کوب اهمیت سکه را از کتیبه کمتر می‌داند؛ زیرا کتیبه علاوه بر فوایدی که از سکه حاصل می‌شود فواید دیگری در شناخت تاریخی دارد و اطلاعاتی نظیر محتویات اسناد رسمی، اعلان‌های رسمی و دولتی، اطلاعات مربوط به نام کاهنان، مراسم نیایش، هدایا و نذورات و... را نیز منتقل می‌سازد.

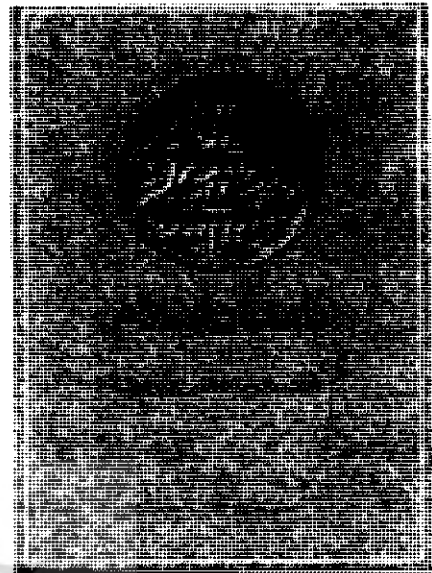
او تاریخ هخامنشیان را تا حد زیادی مدیون کشف و قرائت کتیبه‌های فُرس باستان می‌داند. به طور کلی، ایشان در پژوهش‌های تاریخی توجه به منابع مادی تاریخ را از شیوه‌ها و روش‌های شناخت گذشته تاریخی و دریافت اطلاعات مختلف از اقوام مختلف تلقی می‌کند و اعتقاد دارد که این ابزار در ایصال مورخ به واقعیت تاریخی ارزش قابل ملاحظه‌ای دارند.^{۱۸}

۷. تنوع زبانی و علمی منابع

در پژوهش‌های تاریخی، توجه به تنوع زبانی، علمی و کیفی منابع موجب غنا بخشیدن به تحقیقات تاریخی می‌گردد. از شاخص‌های بزرگ امتیاز تاریخ‌نگاری ایشان، مزیت داشتن تحقیقات ایشان به لحاظ تنوع زبانی و علمی منابع است. ایشان به واسطه تسلط بر زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عربی، اوستایی و پهلویی و... از متون بسیار متنوعی از لحاظ زبانی و کیفی بهره برده که حاکی از تسلط ایشان بر کثرت منابع است.

تسلط بر تنوع زبان و تنوع کیفی منابع، باعث شناخت و درک وسیع و همه‌جانبه او از فرهنگ جهانی و قابلیت استفاده از متون مهم ادبی و تاریخی به زبان زنده دنیا شده است. در کتاب‌های ایران قبل از اسلام، ایران بعد از اسلام، تاریخ مردم ایران، روزگاران، دو قرن سکوت، بامداد اسلام و

کارنامه اسلام نمونه های زیادی از تنوع زبانی و تنوع علمی دیده می شود. آن چه مهم است این که ایشان در تحقیقات از تنوع زبانی و علمی به عنوان یک ابزار مهم پژوهشی برای رسیدن به حقیقت و کنه وقایع تاریخی استفاده می کند تا گذشته را بهتر مورد بازسازی قرار دهد.^{۱۹} به عنوان مثال ایشان در کتاب روزگاران، از دویست و چهل منبع تاریخی، در کتاب دو قرن سکوت از یکصد و پنجاه منبع تاریخی، در کتاب بامداد اسلام از هشتاد و سه منبع و در تاریخ ایران بعد از اسلام از پانصد و شصت منبع تاریخی که دارای تنوع زبانی (از لحاظ اشمال بر زبان های فارسی، عربی، انگلیسی و زبان های اروپایی) و تنوع علمی (نوعاً از منابع اولیه و کیفی) بهره برده است.



۸. استفاده از دانش های کمکی در تاریخ^{۲۰}

دانش های کمکی مجموعه ای از معارف، دانش ها و شیوه های علمی است که محقق و مورخ تاریخ را در کشف و گردآوری منابع تاریخی، فهم کردن منابع و تجزیه و تحلیل آن ها مورد معاضدت قرار می دهد. دانش های کمک کار در همه مراحل پژوهش تاریخی مورخ را همراهی می کنند و مورخ در جریان و پروسه تحقیق تاریخی از آن ها استمداد می گیرد. برخی از علوم کمکی در تاریخ، در اثنای گردآوری منابع و مآخذ به مورخ کمک می کنند. برخی از آن ها در مرحله نقد و اجتهاد تاریخی و برخی در مرحله تالیف و عرضه کردن تحقیق به مورخ کمک می رسانند. بنابراین، هدف از به کارگیری علوم و دانش کمکی در تاریخ، ایجاد توان بالا در مورخ است تا از گزاره ها و آموزه های علوم اجتماعی و انسانی استفاده کند و مراحل تحقیق تاریخی را به صورت کیفی سیر نماید.^{۲۱}

علوم و دانش های کمکی عبارت اند از جغرافیای طبیعی و انسانی، جمعیت شناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، علوم زبانی و باستان شناسی و سایر علوم که





در عرصه تحقیقات تاریخی به مورخ توان علمی بالایی را می دهند.

زرین کوب با تلفیق تاریخ با حوزه های دیگر دانش مثل جامعه شناسی، سیاست، مردم شناسی، باستان شناسی و علوم زبانی و غیره - که ره آورد مکتب آنان فرانسه می باشد - تاریخ را با آن ها مرتبط و مختلط نمود و در سیر روند روش پژوهش تاریخی خویش با ورود به عرصه ادبیات و نقد ادبی در تاریخ نگاری، حالتی خاص به پژوهش تاریخی بخشید.

از میان دانش های کمک کار، ایشان به زبان و ادبیات فارسی که مربوط به مرحله تالیف و تدوین است اهمیت بالایی داد. در تاریخ نگاری، زبان و ادبیات را تنها ظرف برای بیان مقصود و پرداخت مفهوم منحصر ن ساخت، بلکه خود زبان را مقوله ای تاریخی معرفی کرد. به اعتقاد وی تاریخ از لحاظ شیوه بیان با ادبیات ارتباط تام دارد. قریحه نویسندگی هم برای وی از اسباب عمده توفیق است. شاخص و ویژگی مهم ایشان در آثار تاریخی اش استفاده از ذوق و معلومات ادبی در بیان تاریخ است. البته این ویژگی کار، صبغه ادبی به خود نگرفت، بلکه باعث شیواتر شدن حوادث تاریخی گردید. ۲۲ در آثاری همچون روزگاران، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تاریخ ایران بعد از اسلام، بامداد اسلام و دو قرن سکوت این خامه ادبی در قالب بیان تاریخی نمودی عینی دارد.

۹. عدم تاثیر پذیری از مراجع قدرت

ایشان در مطالعات تاریخی و در روند مراحل اساسی پژوهش و رسیدن به واقعیت تاریخی و به دنبال آن حقیقت تاریخی و اجتهاد ایجابی و سلبی تاریخی، عدم تاثیر پذیری از مراجع قدرت را از شروط عمده توفیق مورخ در تاریخ نگاری می داند. به اعتقاد وی، گذشته از طبیعت حوادث و طبیعت مورخ که هر دو به سبب اشتغال بر عناصر نفسانی مانع از تحقق عینیت خالص در تاریخ است مورخ به عنوان یک فرد از جامعه نیز محدود به حدودی است (سنتی، قانونی یا مذهبی) که یک نوع «ذهن گرایی» ناخودآگاه را بر وی تحمیل می کند. این حدود عبارت است از آن چه که به آن «قدرت مراجع» می گویند یا قدرت «اولی الامر» ۲۳.

البته از نگاه اندیشه ایشان تبعیت از قدرت مراجع، از عوامل بازدارنده نقد روایات جاری و معتبر نیست، اما تاثیر غیر مستقیم قدرت مراجع، موجب قبول اموری می شود که به اصطلاح آن را متواتر تاریخی می خوانند و یا حتی شایعات.

اصل تبعیت از قدرت مراجع در مقام تحقیق تاریخی، راه بحث آزاد و نقد تاریخی را بر مورخ

می‌بندد. قدرت مراجع و تسلیم اجباری به آن‌ها از موانع اصلی استقراء تام در اصل حوادث تاریخی است و حتی در اجتهاد و استنباط تاریخی و قضاوت تاریخی مورخ را محدود به حدودی خاص می‌کند. بنابراین، تحت تاثیر قدرت مراجع قرار گرفتن در تحقیقات و مطالعات تاریخی، محقق را در مرحله تحقیق اسناد از عینیت دور می‌کند و در مرحله توجیه و تفسیر تاریخی، موجب انحراف مورخ از حقیقت می‌شود.^{۲۴}

۱۰. قریحه و ضابطه در تاریخ

ایشان در روش پژوهش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی، قریحه و ضابطه را دو عامل مهم در رسیدن به تحقیق تاریخی روش مند می‌داند. البته قریحه بدون ضابطه و ضابطه بدون قریحه را رد می‌کند و وجود این دو را در پژوهش و شناخت تاریخی در کنار هم ضروری می‌داند. تکیه بر قریحه تنها در تاریخ‌نگاری و پیروی از شیوه خاص و ضابطه خاص در تاریخ‌نویسی را بی‌حاصل و مبتذل می‌داند و اذعان دارد که تنها با شیوه و ضابطه‌ای خاص نمی‌توان تاریخ را به وجود آورد.

او لطمه قریحه بدون ضابطه را کمتر از ضابطه بدون قریحه نمی‌داند و تحمل علم تاریخ در فقدان ضابطه و قریحه را بیشتر از سایر علوم نمی‌داند حتی اعتقاد دارد که به جهت آن که ماده علم تاریخ در دسترس همگان است، هیچ دانشی مثل تاریخ از اهل تفتن آسیب ندیده است و با توجه به همین نکته، رعایت ضابطه، شیوه، ذوق و قریحه در عرض هم را برای تاریخ ضروری می‌داند.^{۲۵}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم علوم انسانی

۱۱. اجتناب از تصور پیش ساخته

اجتناب از تصور پیش ساخته یکی از صفات سلبی مورخ و محقق تاریخ است. اجتناب از تصور پیش ساخته می‌تواند مورخ را در دست‌یابی به واقعیت تاریخی کمک نماید. زرین کوب در رسیدن به واقعیت تاریخی و حقیقت تاریخی نقش اجتناب از تصورات پیش ساخته را مهم تلقی می‌کند و اعتقاد دارد یکی از عواملی که تحقیق تاریخی را مورد آسیب قرار می‌دهد و باعث بروز خطای تاریخی می‌شود، عبارت است از این که مورخ به جای شناخت نفس حقیقت تاریخی، به دنبال اثبات و تأیید پیش فرض‌های خود باشد. چنین پژوهنده‌ای در اسناد و مدارک تاریخی به دنبال مطلوب خویش است نه تحقیق حقیقت تاریخی. زرین کوب منشأ این خطا را به تبعیت از «دکارت»



ناشی از خو گرفتن انسان به پاره‌ای عقاید و احکام می‌داند که مانع تحقق مطلوب تاریخی مورخ می‌شود. لذا لازم و ضروری است که مورخ در مراحل پژوهش تاریخی، تصورات پیش ساخته خویش را وارد عرصه پژوهش و تحقیق تاریخی نسازد. ۲۶

۱۲. پرهیز از ورطه نابهنگامی یا زمان پریشی^{۲۷}

نابهنگامی و یا زمان پریشی و به تعبیری آناکرونیسم تاریخی، به معانی مختلفی آمده که یکی از آن‌ها ناظر به وقوع چیزی است که خارج از بستر تاریخی آن باشد و ایشان معنی فعلی را از زمان پریشی اراده کرده است. محقق تاریخ با اتصاف به صفت سلبی پرهیز از ورطه نابهنگامی، از احساس‌ها و دیده‌های امروز ما، یک راست به ایده‌ها و احساس‌های انسان‌های گذشته راه نمی‌یابد. افتادن در ورطه زمان پریشی از بدترین خطاهایی است که محقق تاریخ را از رسیدن به کنه واقعیت تاریخی باز می‌دارد. زرین کوب درباره زمان پریشی می‌گوید:

درست است که به طور ناخودآگاه، تاریخ چنان چه بند تو کروچه می‌گوید همیشه نوعی تاریخ معاصر است، اما در عین حال گذشته نیز - لااقل در وجود مورخ - به طور ناخودآگاه زنده است. با این همه آن چه در روش تاریخ نویسی برای مورخ اهمیت دارد کار خودآگاه اوست، چه که نیل به جنبه عینی در تاریخ فقط در حدود خودآگاهی وی ممکن خواهد بود. در واقع مورخ برای رویت گذشته، اگر ناچار باشد عینک «زمانه خویش» را بر چشم داشته باشد می‌بایست تا آن جا که می‌تواند آن را بی رنگ انتخاب کند و بی غبار. ۲۸

توجه به اندیشه زرین کوب در زمینه ورطه نابهنگامی و یا زمان پریشی مشخص می‌نماید که تحقیق تاریخی زمانی از خطای تاریخی مصون خواهد ماند که سایه زمان پریشی بر آن حاکم نباشد.

۱۳. پرهیز از اغراض و تعصبات

با استناد به توصیه مورخان بزرگ اسلام، پرهیز از انحراف و تعصبات را از شروط عمده مورخ در تحقیق و پژوهش تاریخی می‌داند و به عنوان یک صفت سلبی، عدم رعایت آن را مانع دیدار حقیقت معرفی می‌کند. از قول «ابوریحان بیرونی» خاطر نشان می‌سازد که تحقیق و پژوهش



تاریخی در حوادث و وقایع گذشته از راه قیاس و استدلال حاصل نمی شود و باید به اسناد روایات مراجعه کرد. نهایت آن که مورخ باید فکر خود را از تعصب و اغراض پاک کند و به دور از تمام این شواهد و ریاست جویی و انحراف به تجزیه و تحلیل حوادث و رخدادهاى گذشته پردازد. در نهایت اضافه می کند که گمان می کنم هنوز می توان کلام بیرونی (پرهیز از انحراف) را به منزله قاعده ای در تحقیق تاریخی توصیه کرد.^{۲۹}

دکتر زرین کوب در ارائه اصول و قواعد پژوهش تاریخی فوق به ویژگی های ایجابی و سلبی ای هم چون احاطه و تسلط تام مورخ بر منابع تاریخی، قوه استنباط درست و آزادی از سخت گیری، دقت و احتیاط عالمانه در بررسی اسناد، علاقه بی شائبه به حقیقت، اجتناب از تعجیل در قضاوت، پرهیز از سبک سری و خوش باوری، پرهیز از بت های خطا انگیز و پرهیز از اجتهاد در مقابل نص تاریخی اشاره می کند و رعایت این ویژگی های اثباتی و سلبی مورخ را در کلیه مراحل روش پژوهش تاریخی، به عنوان اصولی که عدم رعایت آن ها تحقیق تاریخی را به خطا می کشاند، الزامی می داند.



بررسی کاربرد اصول و قواعد پژوهش تاریخی در آثار دکتر زرین کوب

آن چه ذکر شد مجموعه اصول و قواعدی بود که زرین کوب در عرصه مطالعات و پژوهش های تاریخی از آن ها به عنوان شیوه و روش در پژوهش های تاریخی یاد کرده که به طور کلی، در سه حوزه منابع مادی، منابع و متون تاریخی و صفات اثباتی و سلبی مورخ خلاصه می شود. آن چه تذکرش لازم و ضروری است این که ایده ها و طرح ها درباره اصول پژوهش تاریخی جدا از کاربرد این اصول و قواعد است و این که ایشان تا چه میزان توفیق یافته است در آثار و پژوهش های تاریخی خود آن ها را کاربردی کند خود مقوله ای است نیاز به بررسی دقیق. آن چه در مجموع می توان اظهار داشت این که چنین قواعد و اصولی را در آثاری هم چون دو قرن سکوت، روزگاران، ایران قبل از اسلام، ایران بعد از اسلام و بامداد اسلام و سایر آثار تاریخی اش می توان دید. البته واضح است که مورخ و محقق تاریخی که در پژوهش های تاریخی دارای اصول و قواعد خاصی است، حتماً باید در امر پژوهش تاریخی رعایت به الزام آن ها را دستور کار خود قرار دهد. اما این بدان معنی نیست که زرین کوب در آثار تاریخی اش هیچ گونه عدول از اصول و مبانی پژوهش تاریخی خود ندارد، بلکه با تأمل در آثار تاریخی ایشان مواردی از عدم پایبندی ایشان به اصول روش پژوهشی تاریخی را

می توان مشاهده کرد.

در این بخش به جنبه های اثباتی این اصول و قواعد پژوهشی نظری نداریم، بلکه بر آنیم تا مصادیقی از عدول ایشان از اسلوب های پذیرفته خودش را نمایان کنیم. ابتدا گزیده ای از نظرات و اجتهادهای ایجابی و سلبی وی عیناً نقل می کنیم و سپس در مقام تطبیق اصول و قواعد پژوهش تاریخی ایشان بر این گونه اجتهادها هستیم.

۱. مکه مقارن پیدایش اسلام تقریباً زیارتگاه همه اعراب بود و سرزمینی ایمن و مقدس محسوب می شد. آن جا هیچ کس مورد تعرض و تجاوز واقع نمی شد و هیچ حیوانی عرضه قتل و آزار نمی گشت.^{۳۰}

۲. در همین ایام بود که به موجب روایات مشهور، ابرهه - سردار حبشی - که در یمن فرمانروایی داشت - ظاهراً به قصد عبور از مکه و شاید حمله به ایران - به این شهر رسید و در صد خراب کردن خانه کعبه بر آمد با تعدادی فیل اما کارش از پیش نرفت.^{۳۱}

۳. در خانه ابوطالب که خود پیری کم مایه بود و از عهده معیشت خاندان خویش بر نمی آمد، محمد ناچار شد کاری پیش گیرد. شبانی پیش گرفت که اهل مکه آن را کاری حقیر می شمردند و به زنان و یتیمان اختصاص داشت.^{۳۲}

۴. در بیست سالگی در یک جنگ محلی - جنگ های فجار - که دو قبیله از اعراب اطراف مکه در آن به هم ریخته بودند با ابوطالب حاضر شد و از آن جا با رسم و راه جنگ آشنایی یافت.^{۳۳}

۵. پارسا و مهربان و خوش خوی بود و به سبب خوی و طبعی که داشت و شاید تا حدی تحت تاثیر آن چه طی مسافرت های شام دیده بود به انزوا و تفکر علاقه ای تمام می ورزید.^{۳۴}

۶. سرانجام یک شب - از شب های رمضان - که در کوه عزلت گزیده بود و درون غاری آرمیده بود چنان به نظرش آمد که فرشته یی بر وی ظاهر شد، با صحیفه یی نورانی که در دست داشت.^{۳۵}

۷. مسلمین که از واقعه خندق به شهر آمده بودند هنوز سلاح از تن بر نگرفته بودند که پیغمبر به دفع بنی قریظه شتافت. قلعه آن ها نزدیک یک ماه در محاصره مسلمانان افتاد و بعد که تسلیم شدند همگی را از دم شمشیر گذرانیدند.^{۳۶}

۸. محبوبترین زنان پیامبر عایشه بود - دختر ابوبکر - که در هنگام وفات پیغمبر هجده سال داشت و دختری نه ساله بود که به خانه وی آمد. پیغمبر او را بیشتر از زنان دیگر دوست می داشت و در داستان افک - که تهمت بر وی نهادند - نیز از باب او اندوه و نگرانی بسیار داشته بود.^{۳۷}



۹. گفته اند در آخرین روز عمر خواست در باب جاننشینی دستوری دهد. سر و صدا بلند شد که پیامبر هذیان می گوید و بدین گونه - شاید برای آن که سخن مرگ را از زبان وی نشنوند - او را از این کار مانع آمدند. ۳۸

۱۰. پیغمبر هر چند خود دیگر در میان مردم نبود اما چیزهایی برای مردم باقی گذاشته بود که بعد از او رهبر و هادی مسلمانان به شمار می آمد: قرآن کریم که کلام خدا شناخته می شد، و سنت که گفتار و کردار پیامبر بود. این هر دو یادگار پیغمبر هم دین او را زنده نگه می داشت و هم یاد او را هر روز درخشان تر می کرد. ۳۹

۱۱. حتی عمر بن خطاب در خشم و هیجانی که از اندیشه فقدان پیغمبر داشت گفت که محمد نمرده است و چنان که موسی به کوه طور رفت، وی نیز غایب گشته است، اما بزودی باز خواهد آمد و دست و پای آن را که گوید وی مرده است خواهد برید. این گفته عمر شاید پیشنهادی بود برای آن که فکر فقدان و غیبت پیغمبر را برای عامه مسلمانان قابل تحمل کند و کسانی که هنوز لرزان و ضعیف بودند، از اندیشه ارتداد باز دارد. ۴۰

۱۲. آیا احساس بروز همین تعصبات کهن بود که پیغمبر را - مطابق روایات مشهور - واداشته بود از انتخاب جاننشینی خویش به صراحت و چنان که جای تردید نباشد خودداری کند و کار را به مردم واگذارد؟ احتمالی است که داده اند و این رشته سر دراز دارد. ۴۱

۱۳. در واقع این کودتا هر چند حق علی را که در سقیفه حاضر نبود و با وجود اصرار و تشویق عباس و ابوسفیان در مطالبه خلافت هیچ شتابی نداشت ضایع کرد، لیکن اسلام را از خطری بزرگ - خطر جنگ داخلی - نجات داد. ۴۲

۱۴. در این میان، از یثرب که سال ها بود در آن جا بین دو قبیله اوس و خزرج رقابت و دشمنی شدید در کار بود جمعی به حج آمدند. برخورد و گفت و گوی محمد با شش تن از این ها روزنه امیدی بر وی گشود و می توان گفت این برخورد سرنوشت جهان را عوض کرد، زیرا اگر این ها به مکه نیامده بودند و یا قریش آن ها را از گفت و گوی با محمد باز داشته بودند شاید سرنوشت جهانی که امروز اسلام بر قسمتی از آن استیلا یافته است چیز دیگری بود. ۴۳

۱۵. باری، سیرت محمد و پیروزی های او - و هم چنین کامیابی هایی که ابوبکر و عمر در پیروی از سیرت او یافتند - اسلام را در همه جای جزیره العرب در دیده عرب گرامی کرد. ۴۴

۱۶. باری، واقعه قادسیه در تاریخ جنگ های ایران و عرب اهمیت بسیار دارد و به سبب همین





اهمیت، تاریخ آن در روایات مختلف رنگ حماسه گرفته است. پهلوانان افسانه‌ای عرب مثل قعقاع بن عمرو و عمر بن معدیکرب و ابومحجن ثقفی هر یک به نوعی در آن معرکه وارد شده‌اند و برای دلاوری‌های هر یک قصه‌هایی ساخته‌اند که بی‌شک همه مجهول است، اما جعل آن‌ها حاکی از اهمیت این فتح در نزد اعراب به شمار می‌آید. ۲۵

۱۷. زبان ایران، در آن زمان گذشته از شعر، آثار فلسفی و علمی نیز داشت. حتی بعضی از کتاب‌های علمی را از یونانی و هندی بدان زبان نقل کرده بودند. زبان دینی قوم، زبان شعر و ادب و زبان ذوق و خرد بود. زبان قومی بود که از خرد و دانش و فرهنگ و ادب به قدر کفایت بهره داشت. با این همه این قوم «که به صد زبان سخن می‌گفتند» وقتی با اعراب مسلمان روبه‌رو گشتند «آیا چه شنیدند که خاموش شدند». ۲۶

۱۸. آن‌چه از تامل در تاریخ بر می‌آید این است که عربان هم از آغاز حال، شاید برای آن که از آسیب زبان ایرانیان در امان بمانند، و آن را همواره چون حربه تیزی در دست مغلوبان خویش نینند، در صدد برآمدن زبان‌ها و لهجه‌های رایج در ایران را، از میان ببرند. آخر این بیم هم بود که همین زبان‌ها خلقی را بر آن‌ها بشوراند و ملک و حکومت آنان را در بلاد دور افتاده ایران به خطر اندازد. ۲۷

۱۹. با چنین علاقه‌ای که مردم، در ایران به زبان خویش داشته‌اند شگفت نیست که سرداران عرب، زبان ایران را تا اندازه‌ای با دین و حکومت خویش معارض دیده باشند و در هر دیاری برای از میان بردن و محو کردن خط و زبان فارسی کوششی ورزیده باشند. ۲۸

۲۰. اختلاف در باب نام و نسب «بابک» هم که در روایات همه جا آشکار است ناشی از تعصب یا التزام بعضی راویان اخبار بود که اصرار داشتند وی را به طبقات پست جامعه منسوب دارند یا فاقد نام و نسب مشروع و مقبول نشان دهند تا نهضت وی و یارانش فتنه و آشوب مشتی مردم فرومایه و عاری از شفقت انسانی به نظر آید. در واقع نهضت ایشان هم تا حد زیادی یک نهضت ضد فتودال - و در حقیقت نهضتی بر ضد اعراب صاحب زمین - بود که مدت‌ها پیش اکثر اراضی نواحی آذربایجان و جبال به صورت «اقطاع» به آن‌ها واگذار شده بود. ۲۹

۲۱. امین وزارت خود را به «فضل بن ربیع» از اعراب ضد شعوبی داده بود که در دستگاه هارون الرشید هم معارض برامکه و مخالف با نفوذ فرهنگ ایرانی بود. وزارت مامون را، «فضل بن سهل سرخسی» داشت. که مامون را در گرایش به تشیع تشویق می‌کرد و در مقابل امین و جبهه

اعراب به پایداری می خوانند. بدین گونه کشمکش مامون و امین به صورت کشمکش بین خراسان و بغداد در آمد و پیروزی او بر امین در مفهوم پیروزی عنصر ایرانی بر عنصر عربی محسوب می شد. ۵۰

۲۲. سید جمال الدین هر چند در واقع از علمای مذهبی عصر محسوب می شد، فعالیت خود را در حوزه سیاست بیش از حوزه دیانت دنبال می کرد. چون داعی اتحاد اسلام برای مقابله با قدرت روزافزون استعمار در ممالک اسلامی بود نیل به مقصود را از طریق سیاست بیشتر قابل تأمین می یافت تا از طریق مذهب که خود آن را یک علل تفرقه در بین امت اسلامی می دید. ۵۱

مصادیق و شواهد بیست و دوگانه فوق که عیناً از آثار تاریخی زرین کوب گزینش شده اند، نمونه هایی از عدم رعایت اصول و قواعد پژوهش تاریخی ایشان است که با توجه به دلایل ذیل از قواعد و اصول پژوهشی اش عدول کرده است.

الف. در اظهار نظرهای فوق که نوعاً اجتهادهای ایجابی و سلبی تاریخی ایشان هستند، اولین قدم و اصل در روش و پژوهش تاریخی رعایت نشده است. هیچ یک از موارد مذکور مستند به هیچ سند و مدرک تاریخی نیستند و هیچ گونه ارجاعی به منابع و متون تاریخی داده نشده است و استنتاج های ایشان مبتنی بر هیچ واقعیت تاریخی نیستند.

به عنوان مثال در مقارن پیدایش اسلام عدم تعرض و تجاوز به هیچ کس، عبور ابرهه از مکه به قصد دیگری از جمله حمله بر ایران، شرکت پیامبر در جنگ های فجار، دلیل انزوای پیامبر به خاطر تاثیرپذیری از سفرهای شام و یا نمونه های دیگر مستند به هیچ سند تاریخی نیست و یا لااقل اگر مستند باشد ایشان هیچ ارجاعی در این زمینه به اسناد و منابع تاریخی مربوط نداده است. بدیهی است عدم استناد استنتاج ها و اجتهادهای تاریخی ایشان به منابع تاریخی عدول از روش و شیوه پژوهش تعریف شده از جانب وی است.

ب. شواهد و مصادیق ذکر شده به واسطه نقد ظاهری و یا بیرونی مورد نقادی سطحی قرار نگرفته اند. هیچ کوششی از جانب ایشان جهت صحت و اصالت اسناد تاریخی چنین استنتاج ها و اجتهادهای تاریخی ای مشاهده نمی شود و از ارائه ادله در اثبات نوع خط، کاغذ، مؤلف و زمان و مکان تدوین اسناد تاریخی چنین اظهار نظرهای تاریخی ای سخنی به میان نیاورده است. صحت و صداقت اسناد اظهارنظرهایی هم چون منع عمر از وصیت پیامبر به خاطر عدم شنیدن مرگ از زبان پیامبر، انحصار سنت در کلام و گفتار پیامبر، تعصبات کهن عامل عدم انتخاب





صریح جانشین توسط پیامبر، کامیابی های ابوبکر و عمر در پیروی از سیرت پیامبر و سایر موارد مذکور به واسطه نقد خارجی و ظاهری مورد نقادی و بررسی قرار نگرفته است و این در حالی است که زرین کوپ نقد ظاهری اسناد و منابع تاریخ از لحاظ اصالت و اعتبار را از مراحل اصلی پژوهش تاریخی می داند.

ج. اهمیت زیادی به نقد داخلی یا درونی جهت استخراج حقایق تاریخی نشان می دهد، اما در اجتهادهای اثباتی و سلبی ای که از ایشان ذکر شد، کاربرد نقد داخلی در آن ها مشاهده نمی شود و به واسطه نقادی داخلی به این گونه اجتهادهای تاریخی نرسیده است. جعل اسنادی مبنی بر دلاوری اعراب در جنگ قادسیه، خاموش شدن ایرانیان با آن سابقه علمی از لحاظ زبان و فلسفه در مواجهه با اعراب، آسیب رساندن به زبان ایرانیان توسط اعراب به خاطر حفظ حکومت اعراب و سایر تحلیل های ایشان به واسطه هیچ نقدی داخلی و درونی از خلال اسناد و منابع تاریخی استخراج نشده اند و این نمونه ای دیگر از عدم پایبندی ایشان به اصول پژوهش تاریخی خویش است.

د. در اثبات گزاره های تاریخی ذکر شده و استنباط های تاریخی مذکور از قاعده توپولوژی و یا مکان شناسی تاریخی بهره ای نمی برد و به واسطه مکان شناسی تاریخی، بر معانی تاریخی صادر شده از ایشان دلیلی مشاهده نمی شود و در جریان جنگ قادسیه و ایرانیان با آن ها، تجمع در سقیفه و ضایع کردن حق علی (ع) به خاطر حفظ اتحاد امت اسلامی و در کشمکش معارضه مامون و امین از قاعده و اصل توپولوژی تاریخی نمایی مشاهده نمی شود و در سایر اظهارات تاریخی ایشان نیز کاربرد این اصل ملاحظه نمی گردد.

ه. در بررسی و ارزیابی اسناد اظهارات ذکر شده از ایشان، از ابزارهای پیشرفته صنعتی و تکنولوژی استفاده ای نمی کند. و با استفاده از دستگاه های الکترونیکی و مصادیق دیگر تکنولوژی جدید، جهت تعیین اصالت و اعتبار و یا جعل و تزویر در اسناد آن ها بهره ای نمی برد و یا در تنظیم و تحلیل محتویات اسناد اظهار نظر های مذکور از آن ها کمک نمی گیرد.

و. از توجه به منابع مادی تاریخ در اثبات اجتهادهای اثباتی و سلبی ای هم چون امنیت و عدم تجاوز در مکه مقارن اسلام، عبور ابرهه از مکه به قصد حمله به ایران، شرکت پیامبر در جنگ های فجار و تحت تاثیر مسافرت های شام قرار گرفتن پیامبر، شاهدهی پیدا نیست. و به واسطه منابع مادی تاریخ هم چون کتیبه، لوح و یا حتی سکه به اثبات چنین تحلیل هایی نرسیده است.

ز. در تجزیه و تحلیل گزاره‌ها و استنتاج‌های تاریخی ذکر شده، از به‌کارگیری دانش‌های کمکی چه از نوع بنیادی و چه کاربردی رگه‌هایی مشاهده نمی‌شود. از علوم کمکی در کشف و گردآوری منابع و مآخذ تاریخی این اجتهادهای تاریخی استفاده‌ای نمی‌برد.

ح. با تامل در عدم استفاده ایشان از منابع و اسناد تاریخی، عدم نقد خارجی و داخلی، عدم بازجویی و بازآفرینی، عدم توجه به توپولوژی تاریخی، عدم استفاده از ابزارهای پیشرفته الکترونیکی و تکنولوژی، عدم استناد به منابع مادی تاریخ و عدم استفاده از دانش‌های کمکی در استنتاج‌ها و اجتهادهای فوق، چنین متبادر می‌شود که احياناً در موارد بیست و دوگانه مذکور، از خطاهای ناشی در قبال تأثیر پذیری از مراجع قدرت، تصورات پیش‌ساخته، ورطه نابهنگامی و زمان‌پریشی و اغراض و تعصبات مصون‌نمانده است.

نتیجه‌گیری

با تحقیق و تفحص در آثار و اندیشه‌های تاریخی ایشان - به خصوص در کتاب تاریخ در ترازو - نقطه قوت ایشان در شیوه‌ها و روش‌های پژوهش تاریخی در ارائه طرح‌ها و ایده‌های اصول پژوهش تاریخی است. ایشان از لحاظ اندیشه و متد نظری در اصول و قواعد پژوهش تاریخی، قواعد و اسلوب‌های علمی تری ارائه داده است، اما در کاربرد این اصول و قواعد پژوهش تاریخی همسان اندیشه‌ها و ایده‌های پژوهشی توفیقی ندارد. به تعبیری در کاربردی کردن این اصول و اندیشه‌های پژوهشی همسان ایده‌های نظری خویش حرکت نکرده است و مصادیق قابل ملاحظه‌ای را در عدول از قواعد و اصول پژوهشی در آثار ایشان می‌توان یافت که به مواردی اشاره شد. اما در مجموع، درباره اندیشه‌های نظری ایشان در باب اصول پژوهش تاریخی و جنبه کاربردی آن‌ها ملاحظات ذیل را می‌توان مد نظر داشت:

اول. روش و شیوه انحصاری در پژوهش تاریخی ندارد و از انحصاری کردن روش پژوهش تاریخی در یک شیوه خاص امتناع دارد که نقطه قوتی برای ایشان محسوب می‌شود، در عوض از روش‌ها و شیوه‌های متعددی در امر پژوهش تاریخی استفاده می‌کند که به مجموعه‌ای از آن‌ها اشاره شد.

دوم. در روش‌های پژوهش و استفاده از آن، احاطه و تسلط زیادی بر منابع و مآخذ اصلی تاریخ نشان می‌دهد و در اکثر موارد پژوهش، دقت و احتیاط عالمانه‌ای در بررسی اسناد و منابع از





خود بروز می دهد، هر چند در مواردی خلاف آن هم دیده می شود. از لحاظ عرضه کردن تاریخ در مرحله تالیف و تدوین با ادبیات نیز ارتباط تامی برقرار می کند.

سوم. در نقد و بررسی مآخذ و منابع تاریخی اهتمام خاصی در عمل نشان می دهد و به واسطه نقادای داخلی و خارجی به عنوان یک شیوه مهم در امر پژوهش تاریخی، منابع و اسناد تاریخی را مورد نقادای انتقادی قرار می دهد.

چهارم. در مجموع پس از سیر مراحل پژوهش و تحقیق تاریخی به مرحله مهمی چون اجتهاد تاریخی گام می گذارد.

از هر دو نوع اجتهاد یعنی اجتهاد اثباتی و اجتهاد سلبی استفاده می کند و از حقایق مستخرج از اسناد تاریخی به استنتاج ها و استنباط های تاریخی اقدام می نماید.

پنجم. در مرحله اجتهاد تاریخی (ایجابی - سلبی) بایستی پایه و اساس اجتهاد تاریخی واقعیت های تاریخی و متواترات و محکومات تاریخی باشد که در آثار تاریخی ایشان قابل مشاهده است، اما نقطه ضعف اصلی زرین کوب در اجتهادهای اثباتی و سلبی ایشان، عدم استناد به واقعیت های تاریخی است و اکثر اجتهادهای تاریخی ایشان بر بنیان عقاید تاریخی استوار شده است و بدیهی است که از لحاظ منطقی و علمی اجتهادی که پایه و اساس آن ها عقاید تاریخی باشد. از لحاظ روش مندی و اصول پژوهش اعتباری ندارد.

بنیان گذاری اجتهادهای ایجابی و سلبی تاریخی بر پایه و اساس عقاید تاریخی که عبارت از پیش داوری ها و نظرات کلیشه ای تاریخی است، از لحاظ منطق پژوهش تاریخ جایگاهی ندارد و اجتهاد تا بر پایه واقعیات تاریخی و استنباط های منطقی تاریخی بنیان گذاری نشود، جز عقیده شخصی تاریخی چیزی نخواهد بود.

□ منابع

- آیین وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
- کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۵، ویژه عبدالحسین زرین کوب، ۱۳۷۹.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- زرین کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.

- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- زرین کوب، عبدالحسین، دو قرن سکوت، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۸.
- زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
- ساده، مهدی، روش های تحقیق با تاکید بر جنبه کاربردی، تهران: ناشر مولف، ۱۳۷۵.
- ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ساماران، شارل، روش های پژوهش در تاریخ، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
- فرامرزی قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰.
- نوذری، حسینعلی، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹.



□ پی نوشت ها:

۱. جهت مطالعه بیشتر در زمینه زندگی و آثار دکتر زرین کوب ر. ک: زرین کوب، عبدالحسین، نقش بر آب، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال دوم، شماره ۲۳ سال ۱۳۷۸، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال سوم، شماره ۳۵، سال ۱۳۷۹، مقاله گذری بر زندگی و آثار زنده یاد زرین کوب ص ۵۷-۱.
۲. منظور از تحقیق بنیادی یا نظری (Basicorpure research) تحقیقی است: که از نظر زمانی دید بلند مدت داشته باشد، از حالت انتزاعی و قیاسی برخوردار باشد و در صدد گسترش شناخت و دانش بشری در دراز مدت باشد، نه ارائه راه حل های آنی و کوتاه مدت. لذا دامنه این نوع تحقیقات وسیع و گسترده است و به مسائل کلی و انتزاعی می پردازد.
۳. منظور از تحقیق توسعه ای (Developmental Research) تحقیقی است که علم را از دید توسعه می نگرد. به دیگر سخن، علم را به صورت فرایندی می نگرد که دائماً باید در تکاپو و پویایی به سر برد و هیچ گاه در نقطه ثابتی توقف نکند. لذا از این دیدگاه هر کشف علمی گامی است در جهت توسعه بعدی و کشف دیگر.
۴. منظور از تحقیق عملی یا کاربردی (Applied Research): تحقیقی است که از نظر زمانی، دید محقق یک دید کوتاه مدت باشد و مسائل از نوع مسائل مبتلا به جامعه و از حالت عینی و استقرایی و مشاهده ای برخوردار



- باشد. این تحقیق در مورد حل مسائل و مشکلات فعلی و موجود و ارائه راه حل‌ها برای رفع آن‌ها است. ر. ک: روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی، ص ۳۰.
۵. توصیف تاریخی یکی از فرآیندهای مطالعه تاریخی است که به چگونگی ظهور و پیدایش امر تاریخی، چگونگی تطوّر و رشد و تحول آن و چگونگی وضعیت نهایی آن می‌پردازد. ر. ک: روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۴۰.
۶. تبیین تاریخی یکی از فرآیندهای مطالعه تاریخی است که در آن به چرایی ظهور با توجه به چگونگی ظهور و پیدایش امر تاریخی، چرایی تطوّر و رشد و تحول آن و چرایی نیل به انجام و وضعیت نهایی آن پرداخته می‌شود. ر. ک: روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۴۰.
۷. اصل نسیان: در برابر خود میان بینی قرار دارد. در هر تحقیقی این اصل مطرح است. اما در تحقیقات تاریخی اهمیت بیشتری دارد و محقق باید در آن صورت اصل‌های فrazمانی (عدم تحمیل ارزش‌های زمانه بر زمان تحقیق) و فراغت ارزشی (اجتناب از ارزش‌های خاص و ذهن خود آگاهی و تحمیل آن به موضوع تحقیق) و فرامکانی (توجه به تمایز مکانی و ضرایب تاثیرگذار مکان بر ارزش‌ها، مراسم و عادات...) را رعایت کند. ر. ک: روش‌های تحقیق و علوم انسانی، ص ۲۲۷.
۸. اصل تامل و شک‌گرایی مثبت: محقق باید در پذیرش داده‌ها به صورت مختلف تامل ورزد و به آن از راه عواملی هم چون عقل سلیم، شناخت نویسنده، عدم توجه به بیش‌از‌زمان خویش و توجه به خارج از زمان و سرزمین مورد مطالعه توجه کند. ر. ک: روش‌های تحقیق و علوم انسانی، ص ۲۲۸.
۹. اصل جامعیت و باز ساخت کلی: باید توجه داشت هر حادثه در درون مجموعه‌ای یا شبکه‌ای علی‌جای یافته و در آن معنی پیدا می‌کند. شناخت مجموعه بدون شناخت هر یک از عناصر ممکن نیست. هم‌چنان‌که شناخت هر حادثه جز در کل یا مجموعه به دست نمی‌آید. ر. ک: روش‌های تحقیق در علوم انسانی، ص ۲۳۰.
۱۰. ر. ک: روش‌های پژوهش در تاریخ، فصل تاریخ چیست. ر. ک: روش‌های تحقیق در علوم انسانی، فصل روش تاریخی. ر. ک: روش‌های تحقیقی با تأکید بر جنبه‌های کاربردی، فصل روش تحقیق تاریخی.
۱۱. ر. ک: تاریخ در ترازو، ص ۱۴۲-۱۴۳.
۱۲. نقد برونی معادل انگلیسی External Criticism است و نقد درونی معادل انگلیسی Internal Criticism است که با عناوین مشابهی همچون نقد داخلی یا ملاک داخلی و نقد خارجی یا ملاک خارجی و سایر تعابیر در نقد تاریخی از آن‌ها نام برده می‌شود. ر. ک: روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه کاربردی، ص ۳۹۵.
۱۳. ر. ک: تاریخ در ترازو، فصل نقد و ارزیابی، ص ۱۴۵-۱۵۵.

۱۴. همان، فصل بازجویی و بازآفرینی ص ۱۰۸-۱۱۸.

15. Topology.

۱۶. ر. ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال سوم، شماره ۳۵، سال ۱۳۷۹، مقاله سبک تاریخ نگاری زرین کوب، ص ۴۷.

۱۷. ر. ک: تاریخ در ترازو، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۱۸. همان، ص ۱۵۶-۱۵۸.

۱۹. ر. ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال سوم، شماره ۳۵، سال ۱۳۷۹، مقاله مردی با هزاران هزار بهار، ص ۶ و مقاله سبک تاریخ نگاری زرین کوب، ص ۴۷.

۲۰. دانش های کمک کار (AUXILIARY SCIENCES). مورخان مسلمان دانش های منبعی تاریخ را به دو نوع بنیادی و کمک کار تقسیم می کنند. ر. ک: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص ۳۶۹؛ ر. ک: روش های پژوهش در تاریخ.

۲۱. ر. ک: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص ۳۶۷-۳۶۸.

۲۲. ر. ک: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۱۱.

۲۳. ر. ک: تاریخ در ترازو، ص ۱۴۰-۱۴۱.

۲۴. همان، ص ۱۴۱.

۲۵. همان، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۲۶. همان، ص ۱۲۹.

۲۷. anachronism اشتباه در ثبت و ضبط ترتیب حقیقی وقایع و ظهور اشخاص در جریان تاریخ نگاری و نیز ارجاع زمانی غلط و نادرست؛ اشتباه در ترتیب گاه شماری. معنای دیگری که از خلط زمانی یا زمان پریشی آورده اند ناظر به وقوع چیزی خارج از بستر تاریخی آن است. ر. ک: فلسفه تاریخ، روش شناسی، تاریخ نگاری ص ۱۲۶.

۲۸. ر. ک: تاریخ در ترازو، ص ۱۶۴.

۲۹. همان، ص ۷۰.

۳۰. ر. ک: بامداد اسلام، ص ۱۵.

۳۱. همان، ص ۱۶.

۳۲. همان، ص ۲۰.



۳۳. همان، ص ۲۱.

۳۴. همان، ص ۲۱.

۳۵. همان، ص ۲۲.

۳۶. همان، ص ۳۵.

۳۷. همان، ص ۵۰.

۳۸. همان، ص ۵۲.

۳۹. همان، ص ۶۹.

۴۰. همان، ص ۶۹.

۴۱. همان، ص ۷۰.

۴۲. همان، ص ۷۱.

۴۳. ر. ک: تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۲۵۶.

۴۴. همان، ص ۲۷۷.

۴۵. همان، ص ۳۱۶.

۴۶. ر. ک: دو قرن سکوت، ص ۱۱۴.

۴۷. همان، ص ۱۱۵.

۴۸. همان، ص ۱۱۶.

۴۹. ر. ک: روزگاران، ص ۳۴۲.

۵۰. همان، ص ۳۵۷.

۵۱. همان، ص ۸۱۹.

